

404

بررسی برداشتی اشتباه از واقعیت و چپستی معنویت در حوزه های علمیه

این مطلب را با چند سوال مهم شروع می کنیم که شاید بتوان آن را یک برداشت اشتباه و رایج در میان مردم نامید. آیا می توان با ورود به حوزه فردی معنوی شد و به خودسازی پرداخت؟ آیا می توان با هدف خودسازی و بالا بردن سطح معنویت و خوب بودن و خوب ماندن وارد حوزه شد؟ آیا در حوزه علمیه، درس اخلاق و معنویت داده می شود و افرادی که وارد حوزه می شوند، بعد از مدتی به گونه ای، فردی زاهد پیشه و سالک الهی الله شده و می توانند بعنوان یک مرجع اخلاقی هدایتگر مردم باشند؟

در پاسخ این سوالات مهم و این تصویر اشتباه از حوزه علمیه به چند نکته اشاره می کنیم:

– حوزه علمیه یک سازمان آموزشی است که در طول زمان تحصیل در آن همانند مراکز تحصیلی دیگر، دروسی آموزشی ارائه می شود. تنها فرق آن، مدل دروس و علمی است که ارائه می گردد. اما سوال اینجاست که صرفا با آموزش تئوری علوم ابزاری برای شناخت دین، مانند صرف و نحو منطق و ... افرادی که آموزش می بینند باید اخلاق و معنویت را به صورت عملی فراگرفته باشند؟

– اگر چنین برداشتی صحیح باشد که هر کس به حوزه بیايد، فردی معنوی و سالک می شود، بی اخلاقی هایی که از برخی حوزویان دیده می شود، چگونه قابل توجیه است؟

– ما می دانیم که درس اخلاق در حوزه علمیه به عنوان یک متن آموزشی غیر اصلی است. هرچند برخی مدارس علمیه و مدیران آن، کلاس هایی را صرفا بعنوان درس اخلاق به صورت تئوری و دروس جنبی جزء برنامه درسی آورده اند. و جلسه درس اخلاق نیز هر هفته در روزهای پنجشنبه و در برخی مدارس همه روزه در صبحگاه ها برگزار می شود.

– از طرفی این نتیجه گیری که با توجه به این مطالب، حوزه علمیه هم جایگاه مناسبی برای تقویت معنویت و اخلاق نیست و باید بدنبال راهی دگر بود نیز اشتباه است. چرا که افراد زیادی را می توان نام برد که از همین حوزه های علمیه به مراتب عالی نزد خدای متعال رسیده اند و دستگیری های زیادی از افراد جامعه کرده اند. زیرا حوزه علمیه زمینه را برای رشد معنویت در طلاب فراهم نموده است. اما تضمینی برای تحقق آن در افراد نخواهد داد.

اما نکته مهم تر از آن و حرف اصلی این نوشته این است که تفاوت دیدگاه و جهان بینی درباره حوزه علمیه، رابطه مستقیم و الکلنگی با نتیجه موفقیت و عدم آن دارد. اگر حوزه علمیه را مکان مقدسی که تنها در آن به عبادت پرداخته و طریق سلوک در آن آموزش داده می شود، تصور کنید، با ورود به آن و روبرو شدن با غیر این موارد، دچار ضعف عقیده شده و اهداف آرمانی خود را یک شبه به باد خواهید داد ولی اگر حوزه علمیه را بعنوان مکانی علمی و آموزشی دانسته که در کنار آن، بستری مهیا و بکر برای پیدا کردن راه رسیدن به ذات اقدس الهی و تقویت اخلاق و معنویت است، قطعا قدم در مسیر بزرگانی گذاشته اید که با وجود تحصیلات عالی و تحمل رنج بسیار در کسب اجتهاد علمی، از سجایای اخلاقی و عرفانی زیادی برخوردار بوده اند و وظیفه طبابت روح را به نحو احسن به انجام رسانیده اند.

این را باید دانست که خوب و بد در همه جای دنیا وجود دارد. از موجودات بی جان گرفته تا حیوانات و گیاهان. از انسان ها در خانواده گرفته تا محل کار. به طور مثال دکتر خوب و بد در همه جا وجود دارد. یک دکتر مانند پروفیسور سمیعی و یا دیگر دکترها که جهان در حیرت آنها هستند و بعضی دکترها نیز هستند که چه بسیار بیمارانی که از دستشان گله مند و نالانند. حوزه علمیه هم همینطور است. هم طلبه و آخوند بد و ناشایست داریم و هم طلاب موفق و با اخلاق و معنوی که نام بردن آنها جای دیگر دارد.

این مطلب را بایستی آویزه گوشمان کنیم که: حوزه علمیه وظیفه اش انسان خوب ساختن نیست. وظیفه اش خدمتگذار برای دین ساختن است. و قرار نیست که هر کس به حوزه علمیه آمد انسان خوبی شود. همانطور که هر کس به کلاس شنا می رود قرار نیست که غرق نشود. آن کسی خوب شنا می کند و غرق نمی شود که خودش تلاش کند. طلبه ها نیز اینگونه اند. درست است که برای رشد معنویت در حوزه بستری بسیار متعالی فراهم است اما این بستر فقط برای کسانی کارآمد است که خودشان دست به کار شده اند.

البته توصیه های معنوی بسیاری از بزرگان حوزه به طلاب شده است که با بکار گیری اینها می توان طلبه ای معنوی بشویم. برای مطالعه بیشتر می توانید به کتابهایی همچون سیمای آرمانی یک طلبه، منیه المرید، آفات الطلاب و آداب الطلاب و.... مراجعه کنید.